

پیشینه دخانیات نهاوند

قاسم شهوریان

رئیس اسبق دخانیات نهاوند (۱۳۴۰ تا ۱۳۴۴)

در زمان حکومت احمدشاه قاجار در سال ۱۲۹۶ شمسی قانون انحصار دخانیات به تصویب رسید و چون در آن زمان حکومت وقت ثبات سیاسی نداشت این تصویب‌نامه به مرحله‌ی اجرا در نیامد و اداره‌ای تأسیس نگردید. در سال‌های ۱۳۰۳ و ۱۳۰۷ و ۱۳۰۹ اصلاحاتی در این قانون به عمل آمد و در سال ۱۳۱۱ تکمیل گردید و در سال ۱۳۱۳ اجرای کامل قانون انحصارات ابلاغ شد.

در اواسط سال ۱۳۱۵ شمسی ماشین‌های خریداری شده از آلمان و انگلیس نصب گردید و در مهرماه سال ۱۳۱۶ ساختمان عظیم دخانیات به دست حکومت وقت افتتاح شد. هم‌زمان مزارع آزمایشی نیز احداث گردید و زمینه‌ی تولید بهترین توتون در کشور فراهم شد. برای آشنایی بیشتر، طرح این سؤالات مقدر و پاسخ به آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد:

اداره‌ی دخانیات در چه سالی علناً تأسیس شد و کارکنان آن چگونه به کار خرید و فروش سیگار اشتغال ورزیدند و از بدو تصویب قانون انحصار دخانیات یعنی سال

۱۲۹۶ شمسی تا اواخر سال ۱۳۱۱ (جمعا پانزده سال) خرید و فروش توتون و تهیه‌ی سیگار و توتون چیق و تنباکو در دست چه اشخاصی و به چه نحوی بوده است؟ در جواب به استحضار علاقه‌مندان می‌رساند از زمانی که قانون انحصار دخانیات تصویب شد، تجار و کسانی که به کار خرید و فروش انواع دخانیات مشغول بودند، موظف شدند مالیات تعیین شده از طرف دولت را بپردازند. به علاوه لازم بود برای حمل و نقل و خرید و فروش توتون جواز تهیه نمایند. در غیر این صورت دخل و تصرف در خرید و فروش توتون به وسیله‌ی اشخاص فاقد پروانه، قاچاق محسوب می‌شد و جریمه داشت.

تجار و کسبه‌ای که به خرید و فروش توتون مشغول بودند، پس از اخذ جواز از دولت به طرز ابتدایی سیگار و توتون چیق و تنباکو را تهیه می‌کردند و مخصوصاً سیگار را با استفاده از کاغذ سیگار با دست می‌پیچیدند و آن را بسته‌بندی می‌نمودند و با علامت تجاری خود به بازار می‌فرستادند. آنان توتون چیق را در کارخانه آسیاب می‌کردند و در کیسه‌های مخصوص می‌ریختند و به فروش می‌رساندند.

بعد از تکمیل قانون انحصار دخانیات در اوایل ۱۳۱۲ شمسی، به طور کلی اسباب و ادوات توتون‌سای در اختیار دخانیات قرار گرفت و مؤسسه‌ی دخانیات در این سال تأسیس گردید و با استخدام کارمندان، رسماً در سراسر کشور مشغول به کار شد. بدواً محل‌های مناسبی را برای اداره و انبار در شهرستان‌ها اجاره کردند و از جمله در نیاوند «قیصریه» را که محل مناسبی برای اداره بود در نظر گرفتند و رسماً در سال ۱۳۱۲ اداره‌ی دخانیات در نیاوند مشغول به کار شد.^۱

۱ - چون در حال حاضر متأسفانه قیصریه از بین رفته است و قشر جوان اطلاعی از آن ندارد، برای استحضار آن عده از عزیزان، بنای قیصریه را تشریح می‌نمایم. قیصریه در غرب چهارسوی نیاوند واقع شده بود و حدود پانزده هزار متر مربع وسعت داشت. از راستای گیوه‌کش‌ها که وارد چهارسو،

اولین رئیس دخانیات در نهاوند آقای مجیدی بود که در سال ۱۳۱۲ به این سمت منصوب گردید. در سال ۱۳۱۷ مبلغ صد هزار تومان برای خرید زمین و ساختمان

می شدند در بزرگی به ابعاد سه متر عرض و چهار متر طول از چوب سخت ساخته شده بود که رویه‌ی آن دارای یک ورقه‌ی ضخیم آهن با گل‌میخ‌های آهنی به شکل نیم‌دایره، هر کدام به قطر پانزده سانتی‌متر، نصب بود و این در، در موقع باز شدن در روی ریل آهنی می‌چرخید و از دو طرف کنار می‌رفت و باز می‌شد و این در عظیم، دولنگه بود و هر لنگه‌ی آن یک متر و نیم عرض و چهار متر طول و در هر لنگه در، دری برای رفت و آمد افراد به ابعاد یک متر عرض و دو متر طول در وسط هر لنگه تعبیه شده بود. افراد فقط از در کوچک وسط رفت و آمد می‌کردند و در موقعی که قافله قصد ورود داشت لنگه چپ و راست روی ریل می‌چرخید و در بزرگ باز می‌شد و قافله وارد می‌شد. این ساختمان به شکل مربع مستطیل بنا شده بود. از دالان که وارد حیاط می‌شدند دست راست و چپ (شمال و جنوب) مغازه‌های بزرگی به ردیف ساخته بودند با انبارهایی در پشت مغازه‌ها و مغازه و انبارهای روبه‌رو (غرب ساختمان) هم به همین نحو. در وسط این ساختمان بزرگ جوی آب زلالی به عرض یک متر جاری بود که وارد خانه‌های شهر می‌شد و در دو طرف این جوی آب، دو اصله درخت چنار قطور سر به فلک کشیده بود که زیبایی ساختمان را دوچندان می‌کرد.

لازم است بدانیم بنای قصریه را چه شخص یا اشخاصی و در چه سالی ساخته‌اند و منظورشان از ساختن چنین بنای عظیم و محصور چه بوده است؟ بعضی معتقدند که قصریه را محمود میرزا قاجار حاکم وقت نهاوند در زمان حکومت فتحعلی‌شاه قاجار بنا گذاشته است. با توجه به این که حاکمان قاجار دلشان به حال مردم نسوخته بود که برای حفظ اموال تجار، ساختمان محصوره‌ی به این عظمت بسازند، شخصاً در این مورد تردید دارم. ولی به طوری که از شاهد عینی شنیده‌ام این ساختمان در هفتصد سال قبل به همت تجار آن زمان برای حفظ سرمایه‌شان ساخته شده است.

البته به دلایلی، به طوری که همشهریان ارجمند اطلاع دارند دایی من کهن‌سال‌ترین فرد نهاوند بود و صد و بیست و پنج سال عمر کرد. ایشان که در زمان حکومت ناصرالدین‌شاه سی‌ودو ساله بود، می‌گفت پدر پدرم در آن تاریخ نود سال داشت و برای ما تعریف می‌کرد که قصریه را در زمان خیلی قدیم بنا گذاشته‌اند و اظهار می‌داشت که از اجدادمان شنیده‌ایم که قصریه در زمان حمله‌ی مغول ساخته شده است. برای این که در آن زمان مردم امنیت جانی و مالی نداشتند و ناچار بودند در محل امنی به کسب و کار خود مشغول باشند که هم خودشان در امان باشند و هم اموالشان از دستبرد غارتگران و حمله و هجوم بیگانگان محفوظ بماند. به همین مناسبت در آن زمان تجار معتبر و عمده‌فروش بازار نهاوند با سرمایه‌گذاری مشترک قصریه را بنا کردند و در آنجا دو اصله چنار کاشتن که با گذشت زمان این دو اصله چنار درختان تنومندی شدند و هم‌اکنون در وسط میدان قصریه‌ی نهاوند سر برافراشته‌اند و شاید هر کدام بیش از هفتصد سال عمر داشته باشند. این دو درخت کهن‌سال بهترین سند گویایی است که ثابت می‌نماید قصریه قدمتی هفتصد ساله داشته است.

دخانیات نهاوند از طرف مرکز حواله شد و آقای عبدالنقی ابراهیمی رئیس کارپردازی مأمور خرید زمین و ساختمان شد و روان شاد ابراهیمی بیست هزار متر زمین را در جنب مسیل (لنگاه) با موافقت رئیس دخانیات وقت خریداری کرد و ساختمان بزرگ دخانیات نهاوند بدین شرح بنا گذاشته شد.

ابتدا ده هزار متر سمت غربی آن را به اتاق‌های کارکنان و انبارها اختصاص دادند. آن‌گاه هفت اتاق بزرگ به ابعاد مختلف در جنوب و غرب ساختمان و پنج انبار بزرگ در شمال اداره ساخته شد. شش هزار متر آن را هم برای سکونت رئیس دخانیات وقت در نظر گرفتند.

در وسط این زمین شش هزار متری عمارت سازمانی به وسعت سیصد متر زیربنا ساختند و بقیه‌ی زمین را چمن و درختکاری نمودند. چهار هزار متر بقیه به محل خرید توتون و سکونت سرایدار اختصاص یافت. این بنای بزرگ در اواخر سال ۱۳۱۸ مورد بهره‌برداری قرار گرفت و ساختمان با همت و کوشش آقای عبدالنقی ابراهیمی جمعاً با نود هزار تومان تمام و ده هزار تومان بقیه به مرکز برگشت داده شد.

در این جا باید به اطلاع همشهریان عزیز برسانم که اداره‌ی دخانیات نهاوند به سبب داشتن کشت و خرید توتون چقی، که بعدها ابوالجمعی آن بیش از صد هزار تومان در سال می‌شد و در آن زمان توتون چقی، مصرفش بیش‌تر از سیگار بود، در بین ادارت دخانیات همدان و ملایر و تویسرکان موقعیت بهتری داشت و اداره‌ی درجه‌ی دوم محسوب می‌گردید. اداره‌ی دخانیات اصفهان که دارای کارخانه بود و ادارت دخانیات استان‌ها هم درجه‌ی یک محسوب می‌شدند. دخانیات ملایر و تویسرکان و بروجرد که فقط پخش و فروش داشتند اداره‌ی درجه‌ی سوم بودند. شعبات استان‌ها هم اداره‌ی درجه‌ی چهارم بودند.

اداره‌ی دخانیات استان‌ها و شهرستان‌هایی مانند نهاوند و ادارات درجه‌ی سوم تحت نظر مدیرکل دخانیات تهران انجام وظیفه می‌کردند و مستقیماً حق مکاتبه با مرکز را داشتند و شعبات درجه‌ی چهارم زیر نظر مدیرکل استان‌ها و ظایف محوله را انجام می‌دادند و عزل و نصب و نقل و انتقال کارکنان شعبات در اختیار مدیرکل استان‌ها بود. اداره‌ی دخانیات نهاوند تا سال ۱۳۵۰ مستقل بود و به دلیل این که توتون چپق مصرف سابق را نداشت از سال ۱۳۵۰ به بعد، کشت و خرید توتون نهاوند را محدود نمودند و اداره را به شعبه تبدیل و در اختیار دخانیات استان همدان قرار دادند.

ضمناً، همان‌طوری که قبلاً گفته شد، پس از تکمیل قانون انحصارات در اواسط تابستان سال ۱۳۱۵، ماشین‌آلاتی جهت تبدیل توتون به سیگار، هم‌چنین تهیه‌ی توتون چپق و بسته‌بندی تنباکو از آلمان و انگلستان خریداری شد و متخصصین و تکنسین‌ها و مهندسین آلمانی و انگلیسی برای نصب و راه‌اندازی کارخانجات دخانیات همراه این ماشین‌آلات به ایران اعزام گردیدند و تعهد کردند ماشین‌ها را یک ساله نصب و کارخانه‌ی دخانیات را در رأس یک سال آماده بهره‌برداری نمایند. قرارداد به درستی اجرا شد و در اول مهرماه ۱۳۱۶ کارخانه‌ی دخانیات به دست شاه وقت افتتاح گردید و از آن پس چه در مدیریت و چه در تولید تحولاتی یافت و پیشرفت‌هایی حاصل کرد.

در خاتمه‌ی این گزارش، اولاً به همه، مخصوصاً جوانان توصیه می‌کنم خود را به کشیدن سیگار آلوده نکنند. ثانیاً کسانی که در استعمال دخانیات اضطراب دارند از مصرف سیگار خارجی شدیداً پرهیز نمایند؛ زیرا برای آنان، با توضیحی که خواهم داد، زیان مضاعف دارد. من حدود بیست و پنج سال است بازنشسته شده‌ام و دیگر سروکاری با دخانیات ندارم و با این اداره بیگانه هستم، در عین حال به مصداق این که:

چو می‌بینی که نایبنا و چاه است
 اگر خاموش بنشین گناه است
 وقتی می‌بینم جوانان و افراد معتاد سیگاری و طنم با مصرف سیگارت‌های خارجی سلامتی خود را به خطر جدی می‌اندازند، شدیداً ناراحت و متأسف می‌شوم. زیرا خارجی‌ها برای این که مصرف سیگارشان بالا برود و پول بیش‌تری به جیب بزنند به سیگارت‌های خود نیکوتین اضافی غیرمجاز می‌زنند و بی‌شک این نیکوتین‌های اضافی باعث می‌شود افراد سیگاری به این نوع سیگارت‌ها گرایش بیش‌تری پیدا کنند و روزبه‌روز به مصرف آن حریص‌تر شوند و نتیجتاً در این دام مهلک بیش‌تر گرفتار می‌شوند.

برای این که این عزیزان از این سم مهلکی که حتی از سیانور هم کشنده‌تر است آگاه شوند، یک خاطره‌ی مستند را که خود شاهد عینی آن بوده‌ام بازگو می‌نمایم. چندین سال قبل در یکی از خانه‌های نهاوند سرو صدایی برخاست. همسایه‌ها متوحشانه برای اطلاع از این غوغا به خانه‌ی همسایه هجوم بردند. من هم که جوان کم و سن و سالی بودم برای تماشا و فهمیدن ماجرا به آن خانه رفتم.

اهل خانه همگی به گوشه‌ای از حیاط پناه برده بودند و با وحشت به گوشه‌ای دیگر از حیاط نگاه می‌کردند و از ترس می‌لرزیدند. معلوم شد افعی خطرناکی از بیابان به این حیاط آمده‌است و همگی از ترس، منتظر آمدن درویشی بودند که در مارگیری مهارت داشت. طولی نکشید درویش مارگیر وارد شد و با دو سه نفر همدست و با چوب مخصوص مارگیری به محلی که افعی پنهان شده بود هجوم بردند و با زحمت زیاد افعی را به دام انداختند.

گردن این حیوان کوتاه قد و قطور و با سر مثلثی شکل، در دست درویش مارگیر بود و حضار با ترس و لرز به دور او جمع شده بودند. درویش خطاب به مردم تماشاچی

گفت این افعی خطرناک‌ترین مار است و من نمی‌توانم او را نگهدارم و باید به هلاکت برسد. آیا بین آقایان چوب سیگار پیدا می‌شود؟

یک نفر از بین جمعیت چوب سیگارش را بیرون آورد. درویش چوب بلند و نازکی را نشان داد و گفت این چوب را در سوراخ چوب سیگار فروکن و آن را به جرم سیگار (منظور نیکوتین بود) آغشته کن. آن‌گاه درویش نوک چوب را به دهن افعی گذاشت. ناگهان در کمال تعجب دیدیم افعی به چوب خشکی تبدیل شد! درویش مانند یک عصا دم آن را در دست گرفت و به زمین کوبید و بعد دست‌مزد خود را گرفت و با افعی خشک شده خارج گردید.

با این توضیح آیا سزاوار است جوان‌های وطنمان که سرمایه‌های این مملکت هستند سیگاری شوند؟ و بدتر از آن به سیگارهای خارجی که نیکوتین بیش‌تر دارد روی بیاورند؟ شکی نیست که خارجی‌ها دلشان به حال جوانان ما نسوخته است. آن‌ها به فکر تأمین منافع خودشان هستند.

من آنچه شرط بلاغ است با تو می‌گویم

پژوهشگاه علوم تو خواه از سختم پند گیر و خواه ملال

پرتال جامع علوم انسانی